

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ دسمبر ۲۰۲۰

## نفرت ملی سلاح امپریالیسم و صهیونیسم برای تجزیه ممالک

«نفرت» در نهاد افراد نیست، نفرت زائیده مناسبات بهره‌کشانه طبقاتی است که گروهی را برای منافع غارتگرانه به ضد گروه دیگری تحریک می‌کند و چون باید ماهیت طبقاتی این نفرت را پنهان کند، ناچار است که لباس دیگری برای فهم عقب‌مانده‌ترین قربانیان خویش بر تن بیاراید. اگر یک کودک آذری تبار در یک خانواده پان‌ایرانیست فارس تبار رشد کند، همانقدر نژادپرست است که یک نوزاد فارس تبار در جنگل «گرگ‌های خاکستری» آذری تبار پرورش یابد. این محیط است که افکار آنها را می‌سازد. نفرت در ژن و سلول آنها نیست در شرایط محیط آنهاست. این محیط اجتماعی را مناسبات پیش‌یافته طبقاتی می‌سازد و تا زمانی که دلیلی برای پیدایش نفرت در جامعه وجود دارد، این نفرت می‌تواند مورد حُسن و یا سوء نیت طبقات واقع شود.

کمونیست‌ها، نه از تعلق قومی، بلکه از مناسبات طبقاتی و از جمله مناسبات طبقاتی سرمایه‌داری نفرت دارند، از ستمگران جهانی، از امپریالیسم و صهیونیسم و طبقات ارتجاعی حاکمه نفرت دارند. خلق‌های جهان از تجاوز و تحقیر نفرت دارند و به ضد تجاوزگران، استعمارگران، اشغالگران مبارزه می‌کنند. این نفرت بحق است و باید آن را تقویت نمود. این که مردم فلسطین در حد خود مسلح می‌شوند، تا قوای اشغالگر نژادپرست صهیونیسم را از سرزمین خود اخراج کنند، محق‌اند و نفرت ضد صهیونیستی آنها باید مورد تأیید و تقویت قرار بگیرد. این نفرتی که کمونیست‌ها از آن سخن می‌گویند، نفرت طبقاتی است، نفرت نسبت به بالائی‌ها علیه اکثریت پائینی‌هاست. ولی کمونیست‌ها مملو از مهربانی و دوستی هستند و این احساسات بشردوستانه خویش را نسبت به ستم‌دیدگان، پابرهنگان، قربانیان غارتگری و... بیان می‌کنند. این نفرت و این مهربانی لازم و ملزوم یک دیگر اند. نفرت نسبت به اقلیتی ستمگر و مهربانی و علاقه نسبت به اکثریتی ستم‌دیده.

در میان کمونیست‌ها نفرت و مهربانی ماهیت طبقاتی دارند و نه قومی. یک تُرک، کُرد، فارس، عرب و یا ارمنی ستمگر و غارتگر همانقدر باید مورد نفرت باشد، که یک تُرک، کُرد، فارس، عرب و ارمنی ستمکش باید مورد مهربانی و حمایت قرار گیرد. قومیت در این مبارزه نقش تعیین‌کننده ندارد. این مبارزه طبقاتی است که ماهیت روند مبارزه ما را رقم می‌زند. رفقای ما به زبان‌های گوناگون نفرت مشترک را بیان می‌کنند.

این است که شعار نژادپرستانه «مرگ بر فارس، کُرد، ارمنی»، که از طرف پان‌ترکیست‌ها سر داده می‌شود و تازگی هم ندارد، شعار ماهیتاً ارتجاعی و در خدمت تسلط یک قوم، که خودش را برتر از سایر اقوام می‌داند، بر اقوام دیگر

است. این شعار برای ایجاد برادرگشی، تخریب، و تجزیه ایران، که در خدمت منافع امپریالیسم غرب و صهیونیسم و هابیسیم در منطقه هست، سر داده می‌شود. پان‌ترکیست‌های ایرانی عوامل ترکیه و جمهوری آذربایجان در ایران هستند و سال‌هاست که در ایران حتی از زمان محمدرضا شاه فعالیت می‌کردند و می‌کنند. نه شاه و نه جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تلاش نکردند بر این اقدامات تفرقه‌افکنانه مدبرانه غلبه کنند. دست آنها برای تبلیغات‌شان باز است و «چپ»‌های آنها فقط با یک سخن لنین موافقاند که در جایی در کتابش از حقی به نام «حق جدائی» سخن گفته است که ربطی به تجزیه ایران ندارد.

امروز کُردها، که مورد خشم پان‌ترکیست‌ها هستند، که بی‌شرمانه مرگ آنها را با خون‌تشنگی طلب می‌کنند، ولی خودشان یعنی بسیاری از این فعالان سیاسی آنها تا مغز استخوان پان‌گردیست بوده و به این ایدئولوژی دامن می‌زنند. آنها اتحادیه کارگری خودشان را دارند، سازمان‌های حقوق بشر خودشان را دارند، سازمان‌های قومی و منطقه‌ای خودشان را دارند، سرنوشت خود را از سرنوشت سایر خلق‌های ایران جدا کرده‌اند، تنها گلیم‌های خودشان را از آب بیرون می‌کشند، ولی از همه می‌خواهند از فکر تجزیه‌طلبانه آنها دفاع کنند. اپوزیسیون بی‌پرنسیپ و مصلحت‌گرای ایران در خارج از کشور نیز برای یک نمایش اعتراضی مشترک با این ناسیونال - شونیست‌های کُرد در مقابل سفارتخانه‌های ایران، این ننگ را می‌پذیرد و این رشوه را می‌دهد. کسی که در زیرزمین خانه‌اش پان‌گردیسم تولید می‌کند، نمی‌تواند صادقانه ضد ناسیونال - شونیسم به طور کلی و ضد پان‌ترکیسم به طور مشخص باشد. وی نیز ناچار است با شعار مرگ بر تُرک، فارس، عرب و ارمنی به میدان آید و اگر چنین نمی‌کند، زیرا امروز زورش نمی‌رسد و نه این که نظر دیگری دارد. رفتار ننگین ناسیونال - شونیست‌های کُرد را در برخورد به اسرائیل متحد هر دوی این ناسیونال - شونیست‌ها دیده‌ایم. هم این پان‌گردیست‌ها و هم این پان‌ترکیست‌ها به همدستی و همبستگی خود در همکاری با صهیونیسم به خوبی واقفاند و همه جا پرچم‌های آنان را حمل می‌نمایند. نکبت ناسیونال - شونیسم ریشه‌دار بوده و شاید فریادهای مرگ بر فارس، کُرد و ارمنی عده‌ای را تازه از خواب بیدار کرده باشد. اپوزیسیون «انقلابی» ایران حتی تا به امروز زیر بغل کُردهای ناسیونال - شونیست هندوانه می‌گذارد و به آنها در تمام زمینه‌ها رشوه می‌دهد، تنها به صرف اینکه کُرد هستند و مورد ستم ملی قرار می‌گیرند. آن هم آنگونه ستم ملی که خود آنها برای خود اختراع کرده‌اند و نه آن ستم ملی واقعی که اساساً و نه در همه زمینه‌ها، بلکه به طور عمده از جنبه فرهنگی موجود است. این است که محکوم‌کردن شعارهای پان‌ترکیست‌ها از جانب این اپوزیسیون، زیاد قابل اعتماد نیست و نباید فریب آن را خورد. مبارزه با هر «پان»ی باید به صورت اصولی انجام پذیرد و نه به صورت گزینشی و مصلحتی.

پان‌ترکیست‌ها کسانی هستند که فریادشان از ستم ملی به هواست، ولی اگر کسی نابینا نباشد، می‌داند که آذری‌ها بزرگترین و مقتدرترین تجار ایران را تشکیل می‌دهند و نقش تراز اول در اقتصاد ایران را دارند. آذری‌ها در تمام دستگاه اداری ایران از ارتش گرفته تا نیروهای امنیتی شرکت فعال داشته در سرکوب سایر خلق‌های ایران و نه تنها آذری‌ها نقش برجسته‌ای ایفاء کرده و می‌کنند. اغلب سلاطین ایران بعد از اسلام، به جز دوره بسیار کوتاهی در تاریخ ایران در دست تُرک‌ها بوده است و حتی پدر قفقازی رضاخان قلدر و خانواده پهلوی و فرح دیباج نیز تُرکزاده هستند. و اگر آقای مهندس بازرگان، نخست وزیر بعد از انقلاب و خامنه‌ای تُرکزاده را به آنها اضافه کنیم، می‌بینیم که ناله سایر خلق‌ها باید از ستم طبقه حاکمه تُرک تبار به هوا باشد. ما از صادق خلخالی قاتل و یا اردبیلی، مدنی، تبریزی و... که مجالس خون در بعد از انقلاب به پا کردند، سخن نمی‌گوئیم.

پان‌ترکیست‌ها دروغ می‌گویند و می‌خواهند جهت اصلی مبارزه مردم ایران را، که ضد رژیم جمهوری اسلامی، امپریالیسم و صهیونیسم است، منحرف کنند. آنها می‌خواهند جاده صافکن تجاوز به ایران باشند، زیرا به بهانه

پان‌ترکیست‌بودن و فارس و گُرد و ارمنی را دشمن عمده خود جلوه دادن، می‌توان براحتی با پوشش تنوریک در کنار تفنگداران بحری امریکا و گرگ‌های خاکستری ترکیه قرار گرفته حق حاکمیت ایران و تمامیت ارضی ایران را مورد تعدی قرار داد. برای آنها سایر خلق‌های ایران متحد و رفیق‌شان نیستند، دشمنان بشریت متحد و رفیق آنها هستند و به این خیال خام دچارند که گویا ستم ملی را می‌توان بدون گذار از مبارزه ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی به پایان رساند.

در عصر کنونی هرگونه مبارزه ملی باید در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی باشد و گرنه حرف مفت و توخالی خواهد بود و در عمل همدستی با امپریالیسم برای تقسیم مجدد مناطق نفوذ امپریالیستی در جهان است که با پوشش «حقوق بشر» و «حق تدریس زبان مادری» پنهان می‌شود. آنچه در ایران کمبود دارد و باید برایش مبارزه کرد، در کنار آموزش و تدریس زبان رسمی فارسی، که زبان مشترک همه خلق‌های ایران است، حق آموزش رسمی به زبان مادری است و نه بیش‌تر. در ایران قوم آذری از حقوق بیش‌تری نسبت به سایر اقوام برخوردار است، تقریباً تمام حقوقی را که فارس‌ها دارا هستند، آنها نیز صاحب‌اند. پس این همه تبلیغ نفرت ضد فارس فاقد پایه و اساس عینی است و بیش‌تر نتیجه تحریکات خارجی است.

رژیم حاکم در ایران، چه در گذشته و چه در حال، سیاست سرکوب خود را نه بر اساس تعلقات قومی، بلکه بر اساس تعلقات طبقاتی یعنی مخالفت با رژیم حاکم قرار داده است. یک فارس ضد رژیم از جانب رژیم حاکم فارس و یا تُرک و یا ملغمه‌ای از آنها به همان نسبت سبعانه سرکوب می‌گردد که یک تُرک ضد رژیم. ناسیونال شونیست‌ها تلاش عبث می‌کنند این مرزهای طبقاتی را بزدایند و با تبلیغ نفرت ملی، برادرکشی و خونریزی جغرافیای جدیدی در منطقه خلق کنند.

البته مردم اذربایجان با آن تاریخ انقلابی با این معبود «گرگ‌های خاکستری» از زمین تا آسمان فرق دارند. آنها را عامل بیگانه می‌دانند و تاریخ آنها تاریخ ایران است. وقتی حزب ما از خلق اذربایجان سخن می‌راند، نژادپرستان را منظور نظر ندارد و آنها را در کنار دشمنان مردم اذربایجان و کسانی می‌داند که داعش‌های فردا هستند که به دست ترکیه پرورده می‌شوند. حزب ما به تعلقات طبقاتی می‌نگرد. خلق اذربایجان در تکامل و پیشرفت جامعه ایران و نهضت کمونیستی ایران نقش بسیار برجسته‌ای ایفاء کرده است و ایران بدون اذربایجان و به عکس قابل تصور نیست. تاریخ را نمی‌شود نصف کرد.

حزب ما از تساوی حقوق همه خلق‌های ایران حمایت می‌کند. این یک امر دموکراتیک است. ولی در این مبارزه تکیه را بر وحدت همه خلق‌های ایران در جبهه واحد مبارزه دموکراتیک و ضدامپریالیستی، در صف واحد مبارزه طبقه کارگر و در حزب واحد کمونیستی قرار می‌دهد.